

#### بازتاب

### پاسخ صداوسیما به گزارش «شرق»

اداره کل امور رسانه‌های سازمان صداوسیمای جمهوری اسلامی ایران، در پاسخ به گزارش «سرقت طرح اصلی یک نابینا توسط یک شبکه تلویزیونی» جوابیه‌ای منتشر کرده است. در این جوابیه آمده است: روزنامه شرق در گزارشی به قلم سمیه جاهدعطاءیان در تاریخ ۱۳ اسفند ۱۴۰۲ با تیتَر «سرقت طرح اصلی یک نابینا توسط یک شبکه تلویزیونی» متنی منتشر کرده که کمتر رنگ و بوی فرهنگ و هنر دارد و بدون کمترین تلاش برای دریافتن ماجرا یا جرحه‌ای از حقیقت و بهره‌مندی از سواد رسانه‌ای، بیشتر وجهه شب‌نامه‌نویسی و روایت پرونده‌های خیالی برای صفحات روزنامه‌های زرد به خود گرفته است تا جایی که می‌توان آن را سرقت اعتبار از روزنامه شرق توصیف کرد. در آن گزارش ادعا شده تولید و پخش «محتوای فیلم‌ها به صورت صوتی ایده اصلی یک فرد نابینا» است و شبکه نمایش آن را به ناحق به نام خود زده است؛ اما در جای دیگری از همین مقاله، ذکر شده است «سابقه تولید و پخش این دست از فیلم‌ها به نفع افراد دارای اختلال بینایی در کشورهای مختلف دنیا، به حدود ۳۰ سال پیش بازمی‌گردد». گذشته از اینکه چنین گزاره‌ای درباره چنین روندی نادرست است و از خبرنگار محترم شرق دعوت می‌شود پیش از دست به قلم شدن درباره موضوعات نسبتاً تخصصی، کمی مطالعه داشته باشد، اما با استناد به همان جمله باید گفت «ایده اصلی» تولید و پخش «محتوای فیلم‌ها به صورت صوتی» متأسفانه نه به نام یک هم‌وطن ایرانی و همین امسال، بلکه ده‌ها سال پیش‌تر ثبت و اجرایی شده است. پس از این توهم «دن‌کیشوت‌وار» دست برداریم که این ایده، اصل و ناب و بارقه‌ای بوده که ناگهان شخصی مطرح کرده و حالا صداوسیما آن را ربوده و به نام خود زده است؛ برای آنکه موضوع برای خوانندگان محترم روزنامه شرق روشن شود، لازم است ذکر شود بررسی سوابق و اسناد نشان می‌دهد چنین طرحی پیش‌تر نیز در سیما مطرح شده بود، اما با این جمع‌بندی که چنین ایده‌ای قدیمی و در رادیو نیز در حال اجراست، استفاده از آن در سیما فاقد ارزش‌افزوده دانسته شده بود. علی ای حال، اجرایی شدن ایده «پخش فیلم با صدای شرح صحنه» در شبکه نمایش به ابتدای انتصاب مدیر پیشین این شبکه (خرداد ۱۴۰۱) بازمی‌گردد که به دلایلی که موضوع این متن نیست، امکان تحقق نیافت. پس از انتصاب محمد غلام‌رضایی (آبان ۱۴۰۲) بود که این ایده مجدداً روی میز قرار گرفت و به همراه زیرنویس‌کردن فیلم برای ناشنوایان که چند سالی در شبکه مسکوت مانده بود، اجرایی شد. حال باید پرسید اینکه شبکه نمایش صداوسیما در جهت «عدالت‌گستری» تلاش کند یا اتکا به روندهای آموخته‌شده جهانی گامی در جهت خدمت به جامعه نابینایان و کم‌بینایان یا ناشنوایان و کم‌شنوایان کشور بردارد اقدامی مجرمانه، عجیب یا خطرناک است که باید با توسل به هر حربه‌ای و با اغراض سیاسی، آن را زیر سؤال برد؟! این شبکه وجهه همت خود را همه ایرانیان عزیز قرار داده است؛ به ویژه همه آنهایی که با کمترین بهره‌مندی و برخورداری از امکانات، چشم‌امیدشان برای سرگرمی و پرکردن اوقات فراغت به تلویزیون دوخته می‌شود. اگرچه روزنامه شرق برای نابینایان یا کم‌بینایان نسخه‌ای به خط بریل منتشر نمی‌کند، اما اگر این نوشتار به گونه‌ای به سمع و اطلاع این عزیزان رسید و از امکان جدید شبکه نمایش بهره‌مند شدند، بدانند که مشتاقانه منتظر شنیدن دیدگاه آنها درباره تجربه استفاده‌شان از این خدمت جدید شبکه نمایش هستیم و با گوش جان پندیری نقد و نظر آنها خواهیم بود.

**فکرکردن یک‌شب پولدار می‌شوند**

حالا حتی اثری از تابلوی بزرگ کوروش کمپانی هم دیده نمی‌شود یک بنر سردرد آن نصب شده و آدرس جایی که مال‌باختگان باید برای شکایت بروند نوشته شده است. البته در این بنر تاکید شده است که افراد حتما به صورت انفرادی به ساختمان پلیس امنیت اقتصادی واقع در بلوار مرزداران مراجعه کنند. روی دیوار ساختمان کوروش کمپانی سابق کاغذی چسبانده شده که روی آن آدرس یک دفتر قضائی نوشته شده بود که مال‌باختگان برای شکایت باید به آنجا مراجعه کنند. آدرس این دفتر قضائی چند متر جلوتر بود. یکی از کارکنان این دفتر قضائی می‌گوید چند روز اول اینجا شلوغ بود و مردم برای شکایت می‌آمدند اما حالا که کوروش کمپانی را پلمب کرده‌اند، دیگر اینجا خبری نیست و می‌روند مرزداران. روزهای اول هم خیلی‌ها خبر نداشتند اینجا چنین دفتری هست. او درباره ویژگی‌های مال‌باختگان می‌گوید: زن و مرد ندارد اما اکثر جوان هستند؛ حدوداً ۲۶،۲۵ ساله. جوان‌هایی که فکر کردند یک‌شب پولدار می‌شوند. آخه عقل هم خوب چیزی است. کمپانی می‌دهد ۴۰ تومن وقتی به تو می‌دهند ۲۰ تومن تو شک نمی‌کنی؟ او می‌گوید وقتی مردم متوجه این کلاهبرداری می‌شدند به دفتر کوروش کمپانی می‌آمدند و تجمع می‌کردند و پولشان را می‌خواستند، شریفیان هم که این وضعیت و این جمعیت را می‌بیند می‌ترسد و فرار می‌کند. او که تعداد مال‌باختگان را چیزی حدود ۱۰ هزار نفر تخمین زد، می‌گوید خیلی از مال‌باختگانی که برای شکایت آمده‌اند یک یا دو گوشی گرفته بودند و این‌طور هم نبوده که همه چند گوشی خریده باشند و بخوانند بعداً گران‌تر بفروشند. او می‌گوید: «اتفاقاً هزار گوشی را هم تحویل داد تا اعتماد جلب کنه و بعد با سود گوشی‌هایی که تحویل نداده بود فرار کرد ولی میارنش. این کشورها اطراف باشه میارنش ولی اگه کشورها دورتر بره، دولت‌های آن کشورها حمایت می‌کنن و کار کمی سخت‌تر است».

**در گروه مال‌باختگان چه خبر است؟**

گروه مال‌باختگان کوروش کمپانی حدود هفت هزار نفر جمعیت دارد. گفت‌وگوهای بین اعضای گروه نشان می‌دهد

گفت‌وگوهای اعضای گروه مال‌باختگان کوروش کمپانی

به بحث و دعوا می‌گذرد. بحث بر سر اینکه آیا باید شکایت کرد یا خبر. عده‌ای هم که جزء مال‌باختگان نیستند داخل گروه عضو شده‌اند و مرتب اعضای گروه را مسخره می‌کنند و به همین علت هم مدیر گروه قابلیت عکس‌گرفتن از صحبت‌های اعضای گروه را بسته است تا به گفته خودش کسی نتواند محتوای گفت‌وگوی اعضای گروه را به توییتر ببرد و مسخره کند. عده‌ای در گروه مرتب پیام می‌گذارند که بروید و شکایت کنید که برخی در جواب می‌گویند امیدی به بازگشت پولشان ندارند و حوصله وقت و هزینه دوباره گذاشتن را ندارند. آنها می‌گویند حالا که پولمان رفته و امیدی به بازگشتش نیست چرا دوباره هزینه کنیم و وقت بگذاریم و به دادگاه و پلیس برویم و شکایت کنیم؟ در مقابل برخی جواب می‌دهند اگر همه با هم متحد باشیم پولمان برمی‌گردد. بیشترین سرگرمی هم مربوط به ساکنان شهرهایی به غیر از تهران است که نمی‌دانند اصلاً باید به کجا شکایت کنند. پرونده کوروش کمپانی از بابل، اصفهان، همدان، رشت و... هم چندین و چند شاکي دارد. شکایانی که نمی‌دانند برای ثبت شکایت باید کجا بروند و آمدن به تهران و مراجعه به پلیس امنیت اقتصادی هم برایشان مقدور نیست اما عده‌ای از اعضای گروه می‌گویند همه باید با هم یک جا شکایت کنیم تا پرونده‌ها جمع شود و رسیدگی راحت‌تر شود. این در حالی است که یکی از مال‌باختگان که برای شکایت رفته بود می‌نویسد که بعضی از مال‌باختگان که برای شکایت رفته بودند حتی نمی‌دانند گروهی برای مال‌باختگان در تلگرام وجود دارد چه برسد به اینکه بدانند چطور باید پیگیری کنند!

**آیفون‌ها از میدان فردوسی خریداری شده‌اند؟**

یکی از اعضای گروه تلگرامی مال‌باختگان کوروش کمپانی یک فیش خرید را در گروه می‌فرستد که نشان می‌دهد کوروش کمپانی ۱۲۸ دستگاه آیفون را از فروشگاه‌ی در میدان فردوسی خریداری کرده است. این در حالی است که برخی اعضا می‌گویند شرکت به خریداران خود می‌گفته است آیفون‌ها را از چین وارد می‌کنند و به مشتریان پیشین و مال‌باختگان فعلی می‌گفتند علت تأخیرهای چندین و چندماهه در تحویل آیفون واردات است! گفت‌وگوهایی که از قبل در گروه به جا مانده نشان می‌دهد بیش از سه یا چهار ماه و حتی بیشتر از شش ماه از تاریخی که مقرر بوده گوشی موبایل خیلی‌ها را تحویل بدهند گذشته است اما کارکنان کوروش کمپانی با وعده و وعید مردم را سرگرم می‌کرده‌اند و وقت می‌خریدند تا مردم شکایت نکنند. هرچند دیر بوده است اما باز هم عده‌ای چند هفته زودتر متوجه غی‌عادی‌بودن این تأخیرها می‌شوند و در چند هفته آخر منتهی به فراری‌شدن امیرحسین شریفیان، مالک کوروش کمپانی، به این شرکت می‌رفتند تا موفق شوند حداقل پولشان را پس بگیرند. اما کارکنان با صحبت آنها را راضی می‌کردند که کمی بیشتر صبر کنند و مردم را تشویق می‌کردند تا شکایت نکنند و بیشتر منتظر بمانند. حتی فیلمی از صحبت‌های یکی از کارکنان کوروش کمپانی که مقابل جمعیتی از مردم عصبانی ایستاده است، در گروه تلگرامی مال‌باختگان وجود دارد. او که سعی می‌کند جمعیت را برود را برایش ارسال کند. وقتی بسته به دشتش می‌رسد، می‌بیند که فقط جعبه خالی است. یکی دیگر از مال‌باختگان می‌گوید

**جعبه خالی می‌فرستاد**

مکالمات اعضای گروه نشان می‌دهد همه مال‌باختگان آیفون سفارش نداده بودند. یکی از مال‌باختگان کوروش کمپانی در مرداد ماه یک اپل‌واچ به قیمت حدود ۱۴ میلیون از این شرکت می‌خرد و بعد از گذشت سه ماه با او تماس می‌گیرند تا به تهران برود و اپل‌واچ را تحویل بگیرد؛ اما او می‌گوید یکی از دوستانش بسته را برایش ارسال کند. وقتی بسته به دشتش می‌رسد، می‌بیند که فقط جعبه خالی است. یکی دیگر از مال‌باختگان می‌گوید

### گزارش «شرق» از وضعیت مالباختگان کوروش کمپانی

# باز هم گول خوردیم

**بانیذ میلانی**

به پولمون نمی‌رسیم» این محتوای اکثر بحث‌هایی است که چند روز اخیر در گروه مال‌باختگان کوروش کمپانی ردوبدل شده است. خیلی از اعضای گروه مال‌باختگان می‌گویند معلوم نیست چقدر باید دوندگی کنیم و هزینه دوباره به‌هیم تا به پولمان برسیم. برای همین از شکایت‌کردن صرف‌نظر کرده‌اند و از



روزهای اولی سایت بسته می‌شود، عده‌ای از مال‌باختگان به دفتر کوروش کمپانی می‌روند تا بتوانند سراگی از آیفون‌ها بگیرند اما با دفتر خالی مواجه می‌شوند. دفتری که در آن هیچ چیز جز وسایلی مثل کولرگازی که آن را هم نمی‌توانستند با خود ببرند، یافت نمی‌شد. برخی از اعضای گروه مال‌باختگان کوروش کمپانی می‌گویند هنگام تخلیه دفتر حتی موبایل‌های تعمیری را هم با خود برده‌اند و هیچ چیزی جز برگه‌های راهشده کف زمین در دفتر وجود نداشته است. بعد از اینکه خیلی از اعضای گروه شوکه می‌شوند و نمی‌توانند چنین چیزی را باور کنند. اعضای گروه که به دفتر کوروش کمپانی رفته‌اند، می‌گویند از همسایه‌ها شنیده‌اند که دفتر را ساعت یک یا دو بامداد شب قبل تخلیه کرده‌اند و اجاره‌نامه‌ای هم که توسط یکی از اعضا داخل گروه گذاشته شده است هم مهلت قرارداد اجاره را تا دوازدهم دی امسال ذکر کرده است. البته صحت این اجاره‌نامه تأیید نشده است. فیلم‌ها و عکس‌های زیادی از صبحی که مردم وارد شرکت کوروش کمپانی می‌شوند، وجود دارد. فیلم‌هایی که نشان می‌دهد کارکنان کوروش کمپانی جز میز و صندلی و چند تکه کاغذپاره چیزی برای مشتریانی که ۲۰ میلیون، ۴۰ میلیون یا حتی ۱۰۰ میلیون هم برای خرید آیفون به حساب شرکت واریز کرده بودند، باقی نگذاشته‌اند.

**شکایت کنیم یا نه؟**

اکثر گفت‌وگوهای اعضای گروه مال‌باختگان کوروش کمپانی به بحث و دعوا می‌گذرد. بحث بر سر اینکه آیا باید شکایت کرد یا خبر. عده‌ای هم که جزء مال‌باختگان نیستند داخل گروه عضو شده‌اند و مرتب اعضای گروه را مسخره می‌کنند و به همین علت هم مدیر گروه قابلیت عکس‌گرفتن از صحبت‌های اعضای گروه را بسته است تا به گفته خودش کسی نتواند محتوای گفت‌وگوی اعضای گروه را به توییتر ببرد و مسخره کند. عده‌ای در گروه مرتب پیام می‌گذارند که بروید و شکایت کنید که برخی در جواب می‌گویند امیدی به بازگشت پولشان ندارند و حوصله وقت و هزینه دوباره گذاشتن را ندارند. آنها می‌گویند حالا که پولمان رفته و امیدی به بازگشتش نیست چرا دوباره هزینه کنیم و وقت بگذاریم و به دادگاه و پلیس برویم و شکایت کنیم؟ در مقابل برخی جواب می‌دهند اگر همه با هم متحد باشیم پولمان برمی‌گردد. بیشترین سرگرمی هم مربوط به ساکنان شهرهایی به غیر از تهران است که نمی‌دانند اصلاً باید به کجا شکایت کنند. پرونده کوروش کمپانی از بابل، اصفهان، همدان، رشت و... هم چندین و چند شاکي دارد. شکایانی که نمی‌دانند برای ثبت شکایت باید کجا بروند و آمدن به تهران و مراجعه به پلیس امنیت اقتصادی هم برایشان مقدور نیست اما عده‌ای از اعضای گروه می‌گویند همه باید با هم یک جا شکایت کنیم تا پرونده‌ها جمع شود و رسیدگی راحت‌تر شود. این در حالی است که یکی از مال‌باختگان که برای شکایت رفته بود می‌نویسد که بعضی از مال‌باختگان که برای شکایت رفته بودند حتی نمی‌دانند گروهی برای مال‌باختگان در تلگرام وجود دارد چه برسد به اینکه بدانند چطور باید پیگیری کنند!

**آیفون‌ها از میدان فردوسی خریداری شده‌اند؟**

یکی از اعضای گروه تلگرامی مال‌باختگان کوروش کمپانی یک فیش خرید را در گروه می‌فرستد که نشان می‌دهد کوروش کمپانی ۱۲۸ دستگاه آیفون را از فروشگاه‌ی در میدان فردوسی خریداری کرده است. این در حالی است که برخی اعضا می‌گویند شرکت به خریداران خود می‌گفته است آیفون‌ها را از چین وارد می‌کنند و به مشتریان پیشین و مال‌باختگان فعلی می‌گفتند علت تأخیرهای چندین و چندماهه در تحویل آیفون واردات است! گفت‌وگوهایی که از قبل در گروه به جا مانده نشان می‌دهد بیش از سه یا چهار ماه و حتی بیشتر از شش ماه از تاریخی که مقرر بوده گوشی موبایل خیلی‌ها را تحویل بدهند گذشته است اما کارکنان کوروش کمپانی با وعده و وعید مردم را سرگرم می‌کرده‌اند و وقت می‌خریدند تا مردم شکایت نکنند. هرچند دیر بوده است اما باز هم عده‌ای چند هفته زودتر متوجه غی‌عادی‌بودن این تأخیرها می‌شوند و در چند هفته آخر منتهی به فراری‌شدن امیرحسین شریفیان، مالک کوروش کمپانی، به این شرکت می‌رفتند تا موفق شوند حداقل پولشان را پس بگیرند. اما کارکنان با صحبت آنها را راضی می‌کردند که کمی بیشتر صبر کنند و مردم را تشویق می‌کردند تا شکایت نکنند و بیشتر منتظر بمانند. حتی فیلمی از صحبت‌های یکی از کارکنان کوروش کمپانی که مقابل جمعیتی از مردم عصبانی ایستاده است، در گروه تلگرامی مال‌باختگان وجود دارد. او که سعی می‌کند جمعیت را آرام کند و مانع ورود آنها به داخل شرکت شود به مردم می‌گوید چند هفته دیگر صبر کنند تا آیفون به دستشان برسد.

رسیدن به پولشان ناامید شده‌اند. ناامید ی‌ای که با یک بار رفتن به ساختمان حکمت در بلوار مرزداران هم قابل مشاهده است. بعد از گذشت چند روز از رسانه‌ای‌شدن کلاهبرداری کوروش کمپانی، دیگر آن ازدحام و شلوغی روز اول که تصاویرش در شبکه‌های اجتماعی دست به دست می‌شد، دیده نمی‌شود. انگار مال‌باختگان کوروش کمپانی هم به جرگه مال‌باختگان بانک کاسپین و پدیده شان‌دیز و... پیوسته‌اند.

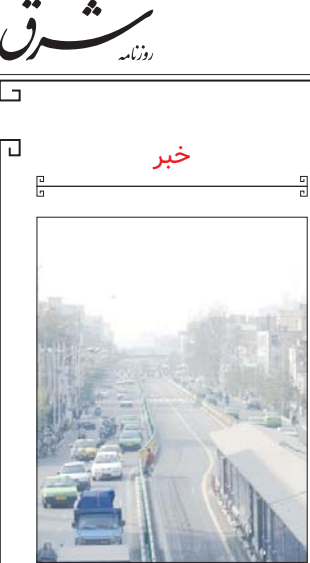
سال گذشته لپ‌تاپش را برای تعمیر داده است و لپ‌تاپ را خراب می‌کنند و تحویل می‌دهند و شکایت هم نتیجه‌ای نداده است. یکی دیگر از مال‌باختگان هم می‌گوید پلی‌استیشن ۵ سفارش داده بود و دیگری هم گوشی سامسونگ. یکی از نکات عجیب این بوده که کوروش کمپانی ابتدا آیفون را به قیمت ۲۶ تومان می‌فروشد؛ سپس قیمت آن را کاهش داده و به قیمت ۲۴ میلیون به مشتری می‌دهد و در نهایت در ماه‌های آخر گوشی‌های آیفون ۱۳ پرومکس را به قیمت ۲۰ میلیون تومان به مشتری وعده می‌دهد. نکته عجیبی که یکی از مال‌باختگان هم به آن اشاره می‌کند و می‌گوید وقتی می‌دیدم هر چقدر به روز تحویل گوشی آیفون ۱۳ Not active رجیستردار که سفارش داده بودم، نزدیک می‌شدیم، کوروش کمپانی قیمت گوشی‌هایش را از اترزان می‌کرد. او می‌گوید ۲۶ میلیون برای این شرکت واریز کرده بود؛ اما می‌دید که کوروش کمپانی رفته‌رفته قیمت آیفون را کم می‌کند و آن را به قیمت ۲۰ میلیون به مشتریان می‌فروشد و همین باعث تعجیش شده بود. البته تعدادی از مال‌باختگان می‌گویند یک بار از این شرکت آیفون تحویل گرفته‌اند و دفعه بعدی بوده که سرشان کلاه رفته است.

**گفتم سلبریتی آبروی خودش را به خطر نمی‌اندازد**

اکثر مال‌باختگان می‌گویند به اعتبار هنرمندان، بازیگران و چهره‌های معروفی که این شرکت را تبلیغ کرده بودند، به کوروش کمپانی اعتماد کردند. مثلاً یکی از مال‌باختگان می‌گوید من می‌دیدم این کار صرفه اقتصادی ندارد و می‌پرسیدم چرا باید آیفون ۳۶ میلیونی را که من می‌خواهم، به من ۲۶ میلیون بدهد؛ ولی با توجه به تبلیغات گسترده و آوردن کلی بازیگر معروف فکر نمی‌کردم این هم یک کلاهبرداری باشد یا یکی دیگر از مال‌باختگان می‌گوید من دیدم فامیل ما گوشی را تحویل گرفته و کلی هم آدم معروف تاییدش کردند، من هم گفتم سلبریتی آبروی خودش را به خطر نمی‌انداز. بالاخره باید در این مملکت به کسی اعتماد کرد، وقتی کل تهران بیلبورد این کمپانی هست و خبرگزاری‌های معروف تاییدش می‌کنند و هیچ‌جا هیچ مطلبی علیه آن نیست، من از کجا باید می‌دانستم؟ بعد هم گفتم گران‌تر می‌فروشم و بالای ۱۰ میلیون سود می‌کنم. او می‌گوید تا یک ماه بعد از واریزکردن وجه همه چیز عادی بود تا اینکه صدای مردم درآمد که چرا پول ما را نمی‌دهید. آن موقع هم امیرحسین شریفیان در گروه تلگرامی خریداران کوروش کمپانی مسردم را آرام می‌کرده تا اینکه یک روز صبح همه از خواب بیدار می‌شوند و می‌بینند شرکت تخلیه شده و شریفیان پولی نداشتند؛ یکی دیگر از مال‌باختگان می‌گوید: سایت‌شان فیلتر نبود و به درگاه شاپرک هم متصل بود که یک درگاه قانونی است. از طرفی کلی هنرمند آن را تبلیغ کرده بودند. واقعاً چیزی کم نداشت، فقط مانده بود در تبلیغات پیام بارزگانی صدا و سیما او را ببینیم. یکی دیگر از مال‌باختگان هم می‌گوید سایت کوروش کمپانی نماد اعتماد الکترونیک داشت و تبلیغات آدم‌های معتبر بود که باعث شد ما هم اعتماد کنیم؛ وگرنه کی به کسی که آیفون را ۲۰ تومان می‌داد، اعتماد می‌کرد؟ یکی دیگر از مال‌باختگان می‌گوید من می‌گویم من به خاطر مجوز دولت خرید کردم. اگر مجوز نداشت، من خرید می‌کردم؟ پس اصلاً برای چه مجوز می‌دهند که هرکس می‌خواهد بپایسد و کار کند؟! یک مال‌باخته دیگر می‌گوید همه ما پولدار نبودیم. ما هم بدبخت، بیچاره بودیم ۲۰ میلیون پولی نیست که کسی نداشته باشد؛ باوجوداین یکی دیگر از مال‌باختگان می‌گوید حدود صد آیفون از کوروش کمپانی تحویل گرفته است و ۵۰ آیفون از او کلاهبرداری شده. ارقام و اعداد روی شکایت‌نامه‌هایی که در گروه مال‌باختگان وجود دارد، هم رقمی بین ۲۶ تا ۶۰ میلیون است. البته بعضی از اعضای گروه که می‌گویند مال‌باختگان هستند، ادعا می‌کنند ارقامی مانند ۲۱۲ میلیون تا ۱۷۰ میلیون... از این شرکت خرید کرده‌اند؛ ارقامی که کمتر در شکایت‌نامه‌های موجود در گروه یافت می‌شد.

**طعنه‌های مردم را هم باید تحمل کنیم**

پیام‌های غمگین هم در گروه مال‌باختگان کم نیست. یکی از مال‌باختگان با ابراز ناراحتی می‌گوید که گوشی سه نفر از آشنایانش را تحویل داده بود؛ اما سهم او این‌طور خورده شده یا مال‌باخته دیگری می‌گوید هفت نفر از اعضای فامیل را راضی کرده بوده که از این شرکت آیفون بخرند و حالا همه این ماجرا را زیر سر او می‌بینند و او را سرزنش می‌کنند. دیگری هم در جواب می‌گوید من خودم پنج تا سفارش دادم و بدتر از این به فامیل‌هایم پیشنهاد دادم و الان همه این ماجراها را از چشم من می‌بینند. یکی دیگر از مال‌باخته‌ها می‌گوید برای پولم خیلی زحمت کشیده بودم و چه خواب‌هایی برای آیفونم دیده بودم. یکی دیگر از مال‌باختگان هم گوشی را برای تولد دخترش خریده بوده و حالا می‌گوید که شرمندۀ دخترم شدم. یکی دیگر هم می‌گوید علاوه بر اینکه از من کلاهبرداری شده، باید متلک‌ها و مسخره‌بازی ملت را تحمل کنیم. یکی دیگر از مال‌باختگان که تاریخ تحویل آیفون او همراه بوده است، می‌گوید خانواده‌ام مرتب من را سرزنش می‌کنند. دیگری در جواب می‌گوید سر این متلک‌ها می‌خواستم خودم را بکشم. باقی چت‌های داخل این گروه هم همین‌طور است. اکثر مال‌باختگان بحث‌های طولانی می‌کنند. خیلی از اعضا هم افرادی هستند که مال‌باخته نیستند؛ اما وارد گروه شده‌اند و اعضای گروه را مسخره می‌کنند. هر چند روز یک بار هم فردی پیام می‌گذارد تا بقیه هم به شکایت‌کردن ترغیب شوند که یکی از اعضا جواب می‌دهد فکر کردی پول ما برایشان مهم است؟ با گذشت چند روز از رسانه‌ای‌شدن فرار مالک کوروش کمپانی، عکس‌های دفتر متروکه این شرکت و چت‌های روزهای اولی که مال‌باخته‌ها پیگیرتر بودند، هنوز در گروه است؛ اما حالا دیگر کسی پیگیری روزهای اول را ندارد. حالا بیشتر مال‌باختگان منتظر خبری از دستگیری امیرحسین شریفیان و برگشت مالشان هستند؛ خبری که معلوم نیست چند وقت دیگر برسد.



**خبر**

**تهران همچنان نارنجی است**

ایستنا: بر اساس اعلام شرکت کنترل کیفیت هوای تهران، ۱۶ اسفندماه هوای پایتخت در شرایط ناسالم برای گروه‌های حساس قرار داشت.

آلاینده شاخص هوای پایتخت طی ۲۴ ساعت گذشته «ذرات معلق کمتر از ۲.۵ میکرون» با میانگین ۱۴۳ بود و کیفیت هوای پایتخت در وضعیت ناسالم برای گروه‌های حساس قرار داشت. آلاینده شاخص هم‌اکنون «ذرات معلق کمتر از ۲.۵ میکرون» با میانگین ۱۴۸ و کیفیت هوا در وضعیت ناسالم برای گروه‌های حساس است.

در این شرایط توصیه می‌شود مبتلایان به بیماری‌های قلبی و ریوی، سالمندان و کودکان از فعالیت‌های طولانی یا سنگین خارج از منزل خودداری کنند.

بر اساس اعلام سایت شهر آخرین آمار شرکت کنترل کیفیت هوای تهران نشان می‌دهد که ۲۰ ایستگاه در وضعیت قرمز و ناسالم قرار گرفتند که شامل ایستگاه‌های پیروزی با شاخص ۱۶۱، تربیت مدرس با شاخص ۱۶۰، ستاد بحران با شاخص ۱۵۸، شادآباد با شاخص ۱۶۲، شریف با شاخص ۱۶۶، شهرری با شاخص ۱۶۲، شهرداری منطقه ۱۱ با شاخص ۱۷۵، شهرداری منطقه ۱۹ با شاخص ۱۸۸، شهرداری منطقه ۲۱ با شاخص ۱۷۲، شهرداری منطقه ۲۲ با شاخص ۱۵۲، میدان فتح با شاخص ۱۶۸، وردآورد با شاخص ۱۵۶، پارک سلامت با شاخص ۱۵۳، پارک شکوفه با شاخص ۱۵۵، دانشگاه تهران با شاخص ۱۵۵، سرخه‌حصار با شاخص ۱۶۴، شهرداری منطقه ۱۵ با شاخص ۱۶۴ و فرمانداری شهرری با شاخص ۱۶۲ است.

گفتنی است که شاخص کیفیت هوا (AQI) به پنج دسته اصلی تقسیم‌بندی می‌شود. بر اساس این تقسیم‌بندی از عدد صفر تا ۵۰ هوا «پاک»، از ۵۱ تا ۱۰۰ هوا «قابل قبول (سالم) یا متوسط»، از ۱۰۱ تا ۱۵۰ هوا «ناسالم برای گروه‌های حساس»، از ۱۵۱ تا ۲۰۰ هوا «ناسالم»، از ۲۰۱ تا ۳۰۰ هوا «بسیار ناسالم» و از ۳۰۱ تا ۵۰۰ شرایط کیفی هوا «خطرناک» است.

### ضعف‌های ساختاری در آموزش و پرورش

**البتا:** محمود امانی‌طهرانی، دبیر کل شورای عالی آموزش و پرورش، با بیان اینکه اگر ثبات و استقلال شورای عالی نبود، امروز نامی از سند تحول بنیادین باقی نمی‌ماند، گفت: ۱۰ سال قبل از مشروطه یعنی سال ۱۲۷۵ هجری شمسی شورای عالی آموزش و پرورش تشکیل شد. امانی ادامه داد: امروز تأسیس شورای عالی توسط مجلس شورای ملی ۱۰۲ ساله می‌شود. این نهاد ۱۲۷ سال قدمت دارد. شورای عالی آموزش و پرورش دارای استقلال است و آخرین خدمت این شورا تدوین سند تحول بنیادین در دوره بی‌ثباتی مدیریتی و تغییر متعدد وزرای آموزش و پرورش بود. امانی‌طهرانی تأکید کرد: اگر ثبات و استقلال شورای عالی نبود، امروز نامی از سند باقی نمی‌ماند.

دبیرکل شورای عالی آموزش و پرورش ضمن بیان اینکه مصوبات این شورا اتقان دارد، گفت: شتاب‌زدگی برای این شورا عین ناپختگی است. سند تحول بنیادین جزء اسنادی است که بیشترین درجه توجه به اجرای آن در کل کشور وجود دارد، البته به دلیل ضعف‌های ساختاری در آموزش و پرورش ممکن است این سؤال ایجاد شود که پس سند تحول برای چیست؟

وی اضافه کرد: اگر در برخی نقاط

کشور وضعیت آموزش و پرورش به‌گونه‌ای است که به تأمین مایحتاج نیاز دارد، ابتدا باید نیازها را تأمین کرد.